باسمه تعالی

خلاصه کتاب فلسفه علوم اجتماعی؛ بنیادهای فلسفی تفکر اجتماعی

نوشته تد بنتون و یان کرایب، ترجمه مسمی پرست و متحد، انتشارات آگاه، چاپ چهارم، 1391

**فصل یک: مقدمه**

# چرایی مطالعه فلسفه توسط دانشجویان علوم اجتماعی: رابطه فلسفه و علوم اجتماعی

* **دیدگاههای اصلی**
	+ **در هم تنیده بودن مرزهای فلسفه و علوم**: قبل از قرون 16 و 17
	+ **دو مدل اصلی ارتباط فلسفه و علوم** بعد از قرون 16 و 17:
		- **دیدگاه پایه گذاری یا استادی**: کارکرد فلسفه، شناخت با استدلال عقلی است: وضع بنیادی ترین حقایق راجع به انسان، جهان و قواعد رسیدن به این شناخت. ⇦ فلسفه: ایجاد بنیادهایی برای پژوهش در رشته ها.
		- **دیدگاه شاگردی یا پادویی**: تفکر بی عمل و برج عاج نشینی، نمی تواند شناخت معین و معتبری به ما بدهد. لازم نیست علوم منتظر فلسفه بمانند تا به آنها بنیانها را بدهد. ⇦کمک فلسفه به سایر علوم. کمکها:
			* زدودن خار و خاشاک از مسیر ریل راه آهن: پیش داوریها، خرافات، فرضیات بی چون و چرا و مانع پیشرفت علم
			* تهیه نقشه ای از الگوهای شناخت علمی: ⇦یافتن ایدهایی راجع به سیر در عرصه وسیع تر دانش
			* اصلاح روشهای تحقیق دانشمندان (با کمک منطق و روشهای استدلال)
* **دیدگاه کتاب**
	+ عدم اطمینان از علمی بودن رشته های علوم اجتماعی توسط دانشمندانشان: چه روشهایی؟ چه ارتباطی با موضوع کار و ... ⇦ همه اینها: پرسشهای فلسفی: عدم تحمیل از بیرون (استادی) بلکه از درون: در نتیجه مشکلات خاص، عدم توافقهای عمیق و ... ⇦سوال این کتاب به روش پادویی: وقتی تلاش می کنیم زندگی انسان را به روش منظم مطالعه کنیم چه باید بکنیم؟ روشهای مناسب تحقیق در فرایندهای اجتماعی چیست؟ امکان شناخت بی طرفانه وجود دارد؟ تاثیر ارزشهای اخلاقی و سیاسی بر کار ما؟ و ... [[1]](#footnote-1)

# کاربردهای فلسفه برای علوم اجتماعی: جعبه ابزار فلسفی:

* **اهمیت**: امکان درخواست کمک از رشته دانشگاهی فلسفه برای منظم بودن در تحقیقات علوم اجتماعی
* **چهار حوزه فلسفی لازم به بهره گیری**
1. **نظریه شناخت** (اپیستمولوژی): دو نگاه اصلی قرن 17:
	* **دیدگاه عقلانی**: تحت تاثیر ریاضیات با استدلالات صوری با نتایج یقینی. معروفترین عقلگراها: دکارت: می اندیشم (شک میکنم) پس هستم.
	* **تجربه گرایی**: پیوند با دیدگاه شاگردی یا پادویی: حواس یگانه منبع شناخت. ذهن انسان در بدو تولد مانند لوحی سفید؛ شناخت: آموختن: تشخیص الگوهای تکرارشونده در تجربه و ارتباط با ایده های عام. شناخت اصیل (≠باور و پیش داوری): محدود میان این الگوها و موارد قابل استنباط از آن. بیشترین بهره گیری توسط دانشمندان علوم طبیعی و اجتماعی و فهم متعارف و عرفی
2. **هستی شناسی**:
	* سوال: چه چیزهایی در جهان وجود دارد؟
	* پاسخ اصلی:
		1. ماتریالیستها: ساخت جهان از ماده یا ماده در حال حرکت. امکان تبیین ویژگیهای اشیاء، موجودات زنده، انسانها، جوامع و ... بر حسب پیچیدگی بیشتر یا کمتر سازمان یابی ماده
		2. ایده آلیست: واقعیت غایی: ذهنی یا روحی. ریشه فکری (مانند دکارت): تجربه آنها از زندگی درونی و آگاهانه مطمئن ترین چیز. اشیاء و ... بر اساس آن قابل تحلیل. انکار مادیت مستقل جهان بیرونی.
		3. دو انگاری: دوآلیسم: دکارت: انسان ترکیب رازآمیز و تصادفی جسم مکانیکی و ذهن روح وار
		4. شکاکیت: ماهیت جهان، مستقل از تجربه ذهنی، قابل شناخت نیست
	* هر رشته می تواند آنتولوژی خاص خود را داشته باشد.
		1. زیست شناسی: ارگانیسم زنده از چه تشکیل شده است و چگونه ترکیب می شوند؟
		2. شیمی: چند عنصر؟ خواص؟ چگونگی کنش و واکنش؟
		3. علوم اجتماعی:
			+ موارد تشکیل دهنده جهان اجتماعی؟
			+ آیا جامعه فی نفسه واقعیت مستقل دارد؟ فردگرایان روش شناختی (نه: جامعه چیزی بیش از تک تک افراد نیست) دیگران: بله
			+ آیا دلیل موجهی برای تمایز ساختارها و فرایندهای اجتماعی و اقتصادی از معانی نمادین یا فرهنگی کنشگران اجتماعی وجود دارد (مانند طبقات اجتماعی)؟
* **منطق**:
* تلاش برای تشخیص استدلال معتبر و نامعتبر به روش سیستماتیک
* توضیح در مورد مقدمه و نتیجه در استدلالها
* توجه این کتاب، بیشتر به حس شهودی از درستی یا نادرستی تا منطق
* **علم اخلاق (اتیک) و فلسفه اخلاق**
* اهمیت: طرح پرسشهای اخلاقی در بسیاری از مراحل پژوهش علمی اجتماعی ⇦ایجاد خطر برای پژوهشگر، جامعه مورد بررسی و ... از سوی جامعه، صاحبان قدرت و ...
* نسبی گرایی فرهنگ: کنار گذاشتن فرهنگ و قضاوت در بررسی جوامع دیگر.

# سیاست و فلسفه سیاسی

* درگیری علوم اجتماعی و دانشمندان آن (مانند مارکس، گیندنز و ...) در مناقشات و فرایندهای سیاسی
* طرح مباحثی مانند نوع مطلوب جامعه، علم رهایی بخش، فیمینیسم و ... در علوم اجتماعی ⇦ درگیری با فلسفه سیاسی

# ویژگیهای کتاب:

* بیشتر ارائه بحثها و مناقشات تا ارائه نتایج
* ارائه تصویر ماهواره از مباحث علوم اجتماعی + مقدمه ای درباره ایده ها و بحثهای اغلب مشکل (مانند کتاب زبان مقدماتی)

فصل دو: تجربه گرایی و پوزیتیویسم در علم

# تجربه گرایی و نظریه شناخت

وجود خط فاصل روشن میان دو مورد زیر از نگاه فیلسوفهای تجربه گرای قرن 20 (گرایش به پوزیتیویستهای منطقی؛ مانند کارناب و آیر)

* علم (معرفت اصیل) و
* نظامهای اعتقادی گوناگون (شبه علم یا علم کاذب (مانند دین، متافیزیک، روان کاوی، مارکسیسم و ...)

# نظریات تجربه گرایان به علم بر اساس 7 دکترین اصلی

1. ذهن انسان مانند لوح سفید؛ کسب شناخت از طریق تجارب حسی از جهان و تعامل با آن[[2]](#footnote-2)
2. آزمون پذیر بودن هر ادعای معرفتی اصیل با کمک تجربه (مشاهده یا آزمایش)
3. کنار رفتن ادعای معرفتی درباره هستی ها (به علت غیر قابل مشاهده بودن)[[3]](#footnote-3)
4. قوانین علمی: گزاره هایی در مورد الگوی عام و تکرار شونده تجربه
5. قانون فراگیر علمی: تبیین پدیده از لحاظ علمی: اثبات اینکه آن پدیده نمونه ای از قانون علمی است.
6. تز تناسب تبیین و پیش بینی: اگر پدیده ای بر اساس قانون فراگیر است⇦ امکان پیش بینی رخدادهای آتی آن
7. عینیت علمی متکی به تفکیک صریح گزاره های آزمون پذیر واقعی از داوریهای ذهنی و ارزشی است.

# پوزیتیویسم و جامعه شناسی

* موسس: بنیانگذار پوزیتیویسم و جامعه شناسی، هر دو: آگوست کنت: فیلسوف قرن 19 فرانسه
* تحت تاثییر: سن سیمون: سوسیالیست تخیلی
* نظر کنت: فرایند تکامل یابنده دانش در سه مرحله 1. الهیات 2. متافیزیک 3. علمی. هر شاخه دانش از این سه می گذرد ولی به طور همزمان به پختگی علمی نمی رسند. فیزیک، شیمی و ... به این حد رسیده اند ولی علوم اجتماعی نه⇦ تلاش او برای ایجاد فیزیک اجتماعی یا جامعه شناسی به صورت رشته ای علمی
* معنای پوزیتیویسم بعد از او:
	+ به صورت کلی: رویکردهایی به علوم اجتماعی که در آن از مجموعه عظیم داده ها و اندازه گیریهای کمی و روشهای آماری تحلیل استفاده می شود.
	+ به معنای دقیقتر: دارای چهار ویژگی
		- پذیرش توصیف تجربه گرایانه از علوم طبیعی
		- علم بالاترین یا یگانه شکل اصیل دانش
		- روش علمی می تواند و باید به مطالعه ذهن انسان و زندگی اجتماعی بسط داده شود؛ تثبیت این رشته در مقام علوم اجتماعی
		- تبیین شناخت علمی اجتماعی ⇦ به کارگیری آن برای کنترل و تنظیم رفتار افراد یا گروهها در جامعه/ حل تضادهای اجتماعی⇦ رویکرد مهندسی اجتماعی[[4]](#footnote-4)
* دلایل استفاده پوزیتیویستها از علوم طبیعی به عنوان مدلی برای کار در علوم اجتماعی:
	+ ایجاد موقعیت و صلاحیت
	+ همانند علوم طبیعی، حک و اصلاح برخی باورهای عرفی اشتباه در حوزه اجتماعی با نظریات علمی؛ مانند نتیجه پژوهش دورکیم در مورد خودکشی[[5]](#footnote-5) که برای همه تعجب آور بود (خودکشی به عنوان فردی ترین کنشها، تحت تاثیر متغیرهای محیط اجتماعی) ⇦ لذا علم به دنبال دور کردن فزاینده خود از مفروضات عرفی و درک عمیق تر از موضوعاتش
1. استفاده مردم از فلسفه در زندگی روزمره؛ البته تا کارها طبق روال پیش می رود، افراد کمتر به نقشه (فلسفه) مراجعه می کنند. [↑](#footnote-ref-1)
2. تفکیک فرایند کسب دانش (موضوع مورد مطالعه روان شناسی) و فرایند آزمون درستی باورها یا فرضیه ها (به هر طریقی کسب شده باشد). به بیان کوپر: تمایز مقام گردآوری (context of discovery) و مقام داوری (context of justification) [↑](#footnote-ref-2)
3. داروین: سرشت سازش پذیر صفات ارگانیسم زنده⇦ تبیین نظم طبیعت بدون خداوند ناظر

توسل پژوهشگران در بسیاری از رشته های علمی به هستیها و نیروهایی که مشاهده پذیر نیستند؛ مانند جاذبه، شیمی (اتمی، تشعشع)، زیست (انتقال صفات در توارث)

اگر تا کنون نظمی بوده، نمی توان انتظار ادامه داشتن آن برای همیشه را داشت؛ استقراء ها (بیان توسط دیوید هیوم، فیلسلوف اسکاتلندی قرن 18): ناقص بوده اند. لذا قوانین علمی را باید غیر علمی بدانیم یا بپذیریم علم متکی به باورهای آزمون ناپذیر و متافیزیکی (هماهنگی و نظم طبیعت) است.

هر تعداد مشاهده پیدایش سنجاقکها باز هم تایید نمی کند که قانون درست است؛ یک مورد هم کافی است تا این قانون را نقض کند؛ ابطال گیرایی⇦ آزمون پذیری گزاره ها بستگی دارد که در معرض ابطال قرار گیرند یا نه. [↑](#footnote-ref-3)
4. نکته: تاثیر باورهای اجتماعی بر شناسایی و بررسی روابط متغیرها: مثال: طلاق عامل بزهکاری؟ یا هر دو تحت تاثیر بیکاری (تاثیر فرهنگ بد دانستن طلاق بر این بررسی) [↑](#footnote-ref-4)
5. خودکشی با مذهب، کشور، درآمد، آب و هوا، نژاد و ... همبستگی ندارد. بلکه وابسته به روش ارتباط ادیان با پیروان (وحدت اجتماعی) است. ⇦ اِعمال نیروی قهری واقعیتهای اجتماعی بر ما. [↑](#footnote-ref-5)